



مرکز تحقیقات رایانگی

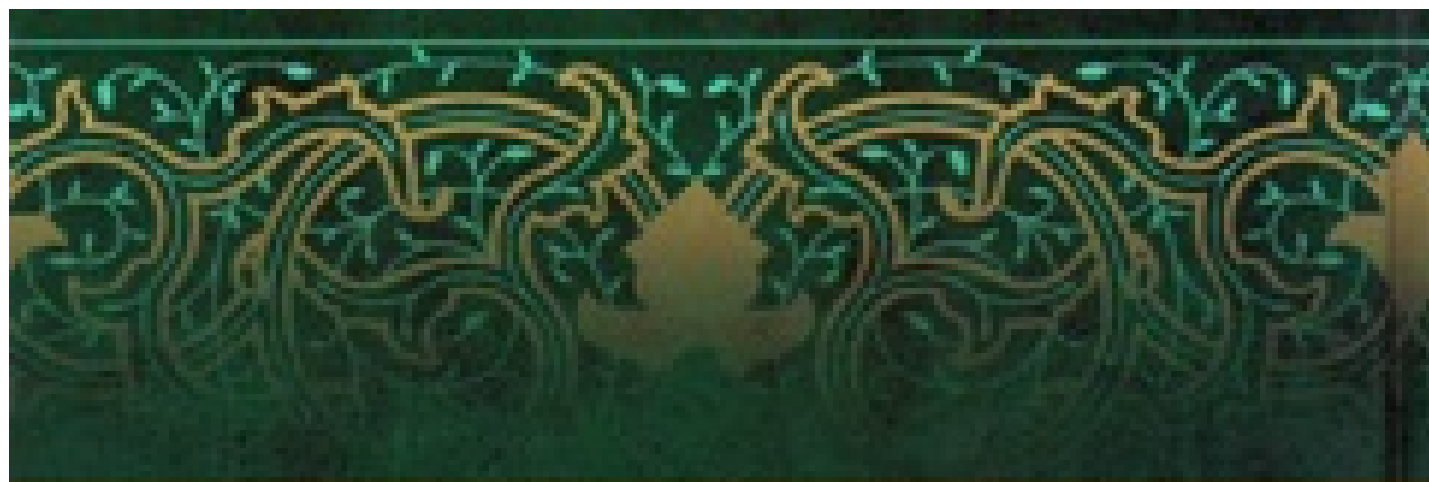
اصفهان

گامی



المراد  
علیهما الصلوة  
والتسلیم

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



ترجمه و شرح مختصری از

# دعای صباح امیرالمومنین علیه السلام

معصومه آعبدالله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ترجمه و شرح مختصري از دعاي صباح اميرالمومنين عليه السلام

نويسنده:

معصومه آعبدالله

ناشر چاپي:

دانشگاه آزاد اسلامي ( تهران )

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	ترجمه و شرح مختصری از دعای صباح امیرالمؤمنین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	بسم الله التور : سلام بر نور و سلام بر صبح ظهور
۱۲	نکات رعایت شده در تدوین این جزوه
۱۴	منابع راوی دعای صباح
۱۴	شرح های دعای صباح
۱۶	دعا و اهمیت آن
۲۷	به نام خداوند بخشاینده مهربان
۳۶	بررسی اجمالی برخی از کلیدواژه های این دعا
۳۶	برخی مفرد ه ای دعای صباح
۵۹	منابع
۶۱	درباره مرکز

## ترجمه و شرح مختصری از دعای صباح امیرالمومنین علیه السلام

### مشخصات کتاب

پدیدآور: آعبدالله، معصومه

عنوان و نام پدیدآور: ترجمه و شرح مختصری از دعای صباح امیرالمومنین علیه السلام/نگارش معصومه آعبدالله

مقطع و رشته تحصیلی: (کارشناسی ارشد): علوم قرآن و حدیث.

محل و سال اخذ مدرک:، 1387.

نام دانشگاه/ پژوهشگاه: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده الهیات، فلسفه و معارف اسلامی.

مشخصات نشر: 1387.

مشخصات ظاهری: 53ص

زبان: فارسی

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

ترجمه و شرح مختصری از دعای صباح

معصومه آعبد اله ا امیر المؤمنین علیه السلام

ص: 3





## بسم الله النور : سلام بر نور و سلام بر صبح ظهور

دعای صباح امام علی علیه السلام با مضامین بلند آن، از دعاهای مأثوره می باشد که از ناحیه معصوم علیهم السلام به ما رسیده است و الفاظش انشای فرد عادی نیست. بهترین ثناها و بلیغ ترین و عالی ترین معانی در دعای صباح حضرت امیر علیه السلام نهفته است.

به نقل از علامه مجلسی، امام علی علیه السلام این دعا را در روز پنجشنبه 11 ذیحجه سال 25 هجری به دست خود نوشته اند.

یکی از آداب مهم دعا، مقدم کردن توصیف خدای متعال است. در این مقام، بی تردید ائمه علیهم السلام گوی سبقت از دیگران ربوده‌اند و صحیح ترین و گویاترین و دلنشین ترین مناجات ها از ناحیه معصومین علیهم السلام صادر شده است.

دعای صباح امام علی علیه السلام از دعاهایی است که توصیه شده بعد از نافله صبح یا بعد از فریضه صبح خوانده شود.

در این مجموعه ابتدا مقدمه ای در باب دعا ذکر شده است.

در ادامه از طریق بررسی ترجمه های مختلف و مراجعه به فرهنگ لغات، سعی شد ترجمه ای روان و صحیح از دعای صباح ارائه شود. (لازم به ذکر است که مبنای اولیه، ترجمه دکتر الهی

قمشه ای بوده است.) سپس بعضی مفرده های دعا را به اختصار توضیح دادیم. امید آنکه گام کوچکی در جهت شناخت کلام مولای متقیان علیه السلام باشد.

به معنای واقعی کلمه کسی نمی تواند ادعا کند که بیان فصیح و شیوا و بلیغ حضرت را با تشبیهات بسیار زیبای آن بتواند شرح نماید و لیکن با بضاعه مزجاء خویش قلم زده و خاضعانه از نظرات اصلاحی دوستان استقبال میکنیم.

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید از مولای متقیان حضرت علی علیه السلام نقل شده است: کسی که مداومت بر خواندن دعای صباح کند اگر عالم پر از بلا شود به او هیچ آسیبی نمیرسد و همیشه در نظر مردم عزیز و محترم باشد و هیچ گاه دشمن نمیتواند به او ضرری برساند و هرکس با او دشمنی کند به خودش بر می گردد و به لطف الهی از مرگ ناگهانی و سختیها در امان می باشد و به برکت این دعای صباح رزق و روزی او هر روز وسیع تر می شود.

بر اساس روایت فوق؛ چنین استنباط می شود که هر کس بر خواندن دعای صباح توفیق داشته باشد؛ خیرات و برکات فراوانی نصیبش گردد.

همچنین از امام رضا علیه السلام درباره دعای صباح روایت شده است:

ص: 6

آیا شما را بر بزرگترین ذخیره دنیا و آخرت و جامع ترین گنج در عالم غیب و شهادت، که حصار و قلعه محکمی است، راهنمایی نکنم؟! این فرمایش امام رئوف بیانگر عظمت این دعاست.

در این حدیث شریف امام رضا علیه السلام دعای صبح را به سائقله و دژ محکمی تصویر نموده اند و کسی که هر صبح در این حصن حصین وارد گردد به اذن الله مصون و محفوظ خواهد

ماند. لذا بر ماست که به این ادعیه ماثوره توجه خاص نموده و حداقل به خواندن هفتگی یا ماهیانه این ادعیه اهتمام ورزیم و از مواهب مادی و معنوی آن متنعم گردیم. و من الله التوفیق.

### **نکات رعایت شده در تدوین این جزوه**

1. اثرات دعای صبح از لسان دو معصوم علیهم السلام تا مؤمنین با اشتیاق و معرفت بیشتری به خواندن این دعا، رو آورند.

2. اشاره کوتاهی به منابع سندی دعای صبح

3. مطلب کوتاهی در مورد شروح دعای صبح در الذریعه آقا بزرگ تهرانی

4. مطالبی در مورد «دعا»

5. متن دعای صبح با ترجمه رو به روی آن.

لازم به ذکر است که هرگز بهترین ترجمه هم نمی تواند جایگزین واژه های نورانی و مفاهیم عمیق حضرت به خصوص در این زیارت که مملو از بلاغت و تشبیهات و استعاره هایی عالی

است، گردد. به امید روزی که عالم با نور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منور شود و ترجمه و حقایق ادعیه و قرآن کریم را مستقیماً از لسان امامان بشنویم.

6. ارائه شرح مختصری از بعضی کلیدواژه‌های دعای صباح

ص: 8

## منابع راوی دعای صباح

1. قدیمی ترین منبعی که دعای صباح در آن دیده شده کتاب «اختیار المصباح» تألیف سال 653 ق از سیدعلی بن الحسین بن حسان بن الباکی القرشی معاصر محقق حلی و سید بن طاوس است.

اکنون این کتاب در دسترس نیست ولی پیش تر نسخهای از آن نزد افندی صاحب «ریاض العلماء» بوده و خوانساری صاحب روضات الجنات آن را دیده است.

2. مجلسی سندی دیگر نقل کرده که دعا را شریف یحیی بن قاسم العلوی العباسی الیمنی مکتوب بر پوستی بلند دیده و در کتاب خود در سال 734 ق نقل کرده است. مشهور است

که دعای صباح به خط کوفی بر روی پوستی بلند که به امضای حضرت علی عتیه السلام رسیده، مکتوب و در دسترس بوده است. فیض کاشانی این دعا را در آخر کتاب ذریعه الضراعه آورده است.

مضامین حکمی، عرفانی و کلامی این دعا که در قالب الفاظ عبارات فاخر و انواع صنایع لفظی و معنوی و فنون بلاغی درآمده اعتباری سترگ به آن بخشیده.

## شرح های دعای صباح

اهمیت مضامین این دعا، عالمان و محققان بسیاری را بر آن تا بر آن شرح بنویسند.

آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه از شروح فارسی و عربی به صورت منظوم و منثور، 23 مورد را نام می برد. که برخی از آنها به شرح ذیل است:

1. شرح منظوم فارسی از مولی ابوالوفاء به نام «مفتاح الفلاح و مصباح النجاح»

2. شرح منظوم فارسی از مولی احمد بن سیف الدین استرآبادی

3. شرح دعای صباح از احمد بن محمد معروف به نشانچی زاده (به نقل از کشف الظنون/1/431)

4. شرح دعای صباح از ملاهادی سبزواری که به ضمیمه شرح بر «اسماء الحسنی» منتشر شده.

5. مفتاح الفلاح فی شرح دعاء الصباح از مولی اسماعیل بن محمد حسین بن محمد رضا بن علاء الدین محمد مازندرانی اصفهانی خواجهایی که نزدیک به 3000 شعر است که در حاشیه زادالمعاد به چاپ رسیده و نسخهای از آن در کتابخانه حسینیه تستریه نجف و نسخه دیگری در کتابخانه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است.

1. شرح دعای صباح از امیر محمد اشرف، مؤلف فضایل السادات. این شرح نزد نوه دختری مؤلف سیدجعفر میردامادی در اصفهان موجود است.

## دعا و اهمیت آن

دعاء کلید رحمت الهی است.

ارزش هر انسانی به میزانی است که با پروردگار خود نجوا می کند.

در آیه 77 سوره فرقان خداوند متعال می فرماید:

ای پیامبر بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند.

دعا به پیشگاه خداوند متعال یک عبادت بسیار ارزشمند و گرانبه است.

1. اولین شرطی که به عنوان یک ادب قلبی در دعا به پیشگاه الهی مطرح می شود، ناامیدی از خلق خداست. مطابق حدیث قدسی، خدای متعال از حضرت عیسی علیه السلام خواست که وقتی دعای می کند، حال غریق را که هیچ فریادری ندارد، داشته باشد. (بحار الانوار/93/214) و به هیچکس جز خدای متعال امید نبندد. در این صورت است که هرچه از خدا بخواهد به او عطا فرماید. (همان) هر چه معرفت انسان به قدرت الهی بیشتر و عمیق تر باشد، حساب کمتری روی وجود شرایط و اسباب

ظاهری باز می کند و در این صورت با حال انقطاع به پیشگاه خداوند دعا می کند. شاید یکی از عوامل مستجاب نشدن دعاها عدم انقطاع باشد.

1. دومین عملی که در اجابت دعا مؤثر است اقبال قلبی انسان



است که با روح و قلب خود، دعا نماید.

2. عامل مهم دیگر رقت قلب دعا کننده است. خود ائمه علیهم السلام به این حقیقت تذکر داده اند که قلب انسان همیشه در یک حالت نیست، گاهی رقت دارد و گاه قساوت، گاهی نرم است و گاهی سخت.

یکی از بهترین اسباب برای ایجاد رقت قلب یاد کردن از مصائب اهل بیت علیهم السلام است که هم خودش موضوعیت دارد و عبادتی بزرگ به شمار می آید و هم زمینه ساز اجابت دعایانسان می گردد.

1. مطابق تعالیم نورانی اهل بیت علیهم السلام یکی دیگر از شرایط لازم برای اجابت دعا تقوای دعا کننده و پاک بودن نفس او از آلودگی گناه است.

به عنوان مثال اگر انسان عیوب دیگران را ببیند ولی از عیب های خود غافل باشد، این خصوصیت مانع اجابت دعا می گردد.  
(بحار الانوار/93/376)

2. برعهده نداشتن حق الناس یکی دیگر از شرایط لازم برای اجابت دعاست. (بحار/93/321)

3. یکی از موانع اجابت دعا ناشکری کردن نسبت به نعمتهای خداوند است. شکر دارای سه رتبه است: قلبی، زبانی و عملی.

همه این مراتب باید تحقق یابد. معرفت به نعمت عظمای خداوند که همان وجود نازنین حضرت صاحب العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است

و شکر نعمت وجودی حضرت.

آیا چنانکه شایسته این نعمت عظمی است، معرفت به ایشان

داریم؟ حقیقتاً چند درصد از شیعیان آن حضرت چگونگی ادای

مراتب شکرگزاری آن حضرت را می دانند؟

متأسفانه بسیاری از ما در این زمینه محتاج تذکر و تنبّه

هستیم. وقتی متذکر می شویم، در عمل چنان اهتمام و جدیتی

که شایسته حق امام علیه السلام باشد، از خود نشان نمی دهیم. اگر سلامت و امنیت ما به خطر افتد، نگران میشویم و سعی

می کنیم که راههای شکرگزاری نسبت به آنها را بیاموزیم و در

عمل به آن اهتمام ورزیم. اما آیا به نحوه سپاسگزاری از نعمت

وجود امامان می اندیشیم؟ (بنی هاشمی، دعا، 41)

در انتها خدای را سپاس می گویم که توفیق گردآوری این

نوشتار را نصیب اینجانب نمود و امید آن دارم که این تلاش

اندک مورد رضای خداوند متعال قرار گرفته و الطاف و عنایات ویژه حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را در مواقع

حساس مرگ شامل حال حقیر و خوانندگان محترم بگرداند.

13 رجب المرجب 1441

ص: 13

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

\* اللَّهُمَّ يَا مَنْ دَلَعَ لِسَانَ الصَّبَاحِ بِنُطْقِ تَبْلُجِهِ

\* وَسَرَّحَ فِطْعَ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ بِغِيَاهِبِ تَلْجُجِهِ

\* وَآتَقَنَ صُنْعَ الْفَلَكَ الدَّوَّارِ فِي مَقَادِيرِ تَبْرُجِهِ

\* وَشَعَّشَعَ ضِيَاءَ الشَّمْسِ بِنُورِ تَأْجُجِهِ

\* يَا مَنْ دَلَّ عَلَى ذَاتِهِ بِذَاتِهِ

\* وَتَنَزَّهَ عَنِ مُجَانَسَةِ مَخْلُوقَاتِهِ

\* وَجَلَّ عَنِ مُلَائِمَةِ كَيْفِيَّاتِهِ

\* يَا مَنْ قَرَّبَ مِنْ خَطَرَاتِ الظُّنُونِ وَبَعَدَ عَنِ لَحَظَاتِ الْعُيُونِ

ص: 14

\* وَعَلِمَ بِمَا كَانَ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ

\* يَا مَنْ أَرْقَدَنِي فِي مِهَادِ أَمْنِهِ وَأَمَانِهِ

\* وَأَيَّقَنِي إِلَى مَا مَنَحَنِي بِهِ مِنْ مَنَنِهِ وَإِحْسَانِهِ

\* وَكَفَّ أَكُفَّ السُّوْءِ عَنِّي بِيَدِهِ وَسُلْطَانِهِ

\* صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى الدَّلِيلِ إِلَيْكَ فِي اللَّيْلِ الأَثَلِ

\* وَالْمَاسِكِ مِنْ أَسْبَابِكَ بِحَبْلِ الشَّرَفِ الأَطْوَلِ

\* وَالتَّاصِعِ الحَسْبِ فِي ذُرْوَةِ الكَاهِلِ الأَعْبَلِ وَالثَّابِتِ

\* الأَقْدَمِ عَلَى رَحَالِيفِهَا فِي الزَّمَنِ الأَوَّلِ وَعَلَى إِلِهِ الأَخْيَارِ

\* المُّصْطَفَيْنِ الأَبْرَارِ

\* وَافْتَحِ اللَّهُمَّ لَنَا مَصَارِيحَ الصَّبَاحِ بِمَفَاتِيحِ الرَّحْمَةِ وَ

\* الفَّلَاحِ

\* وَالْبَسْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَفْضَلِ خَلْعِ الهِدَايَةِ وَالصَّلَاحِ

\*

\* وَأَغْرِسِ اللَّهُمَّ بِعِظَمَتِكَ فِي شَرِبِ جَنَانِي يَنَابِيعَ

\* الْخُشُوعِ

\* وَاجْرِ اللَّهُمَّ لِهَيْبَتِكَ مِنْ أَمَاقِي زَفَرَاتِ الدُّمُوعِ

\* وَادِّبِ اللَّهُمَّ نَزَقَ الْخُرُقِ مِنِّي بِأَرْمَةِ الْقُنُوعِ

\* إِلَهِي إِنْ لَمْ تَبْتَدِئْهُ الرِّحْمَةُ مِنْكَ بِحُسْنِ التَّوْفِيقِ

\* فَمَنْ السَّالِكُ بِي إِلَيْكَ فِي وَاضِحِ الطَّرِيقِ \* وَإِنْ أَسْلَمْتَنِي أَنَا تَكِ لِقَائِي الأَمَلِ وَالْمُنَى فَمَنْ

\* الْمُقْبِلُ عَثْرَاتِي مِنْ كِبَوَاهِ الْهَوَى

\* وَإِنْ خَذَلَنِي نَصْرُكَ عِنْدَ مُحَارَبَةِ النَّفْسِ وَالشَّيْطَانِ

\* فَقَدْ وَكَلَنِي خِذْلَانِكَ إِلَى حَيْثُ النَّصَبِ وَالْحَرْمَانِ

\* إِلَهِي آتِرَانِي مَا آتَيْتَكَ إِلَّا مِنْ حَيْثُ الأَمَالِ

\* أَمْ عَلِقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ إِلَّا حِينَ بَاعَدْتَنِي ذُنُوبِي

\* عَنْ دَارِ الوِصَالِ

\*

\* فَبَسَّ الْمَطِيَّهَ الَّتِي امْتَطَتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا

\* فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ظُنُونُهَا وَمُنَاهَا

\* وَتَبَّأَ لَهَا لِحُجْرَاتِهَا عَلَى سَيِّدِهَا وَمَوْلِيهَا

\* إِلَهِي قَرَعْتُ بَابَ رَحْمَتِكَ بِيَدِ رَجَائِي وَهَرَبْتُ إِلَيْكَ

\* لِأَجْنَأٍ مِنْ فَرْطِ أَهْوَائِي وَعَلَّقْتُ بِأَطْرَافِ جِبَالِكَ أَنَامِلَ

\* وَوَلَّيْتُ فَأُصْفِحِ اللَّهُمَّ عَمَّا كُنْتُ أَجْرَمُهُ مِنْ زَلَلِي وَ

\* خَطَائِي وَأَقْلِنِي مِنْ صَرَعِهِ [رِدَائِي]

\* فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمَدِي وَرَجَائِي وَأَنْتَ

\* غَايَةُ مَطْلُوبِي وَمُنَايَ فِي مُتَقَلَّبِي وَمُتَوَايَ

\* إِلَهِي كَيْفَ تَطْرُدُ مَسْكِينَنَا التَّجَاءَ إِلَيْكَ مِنَ الذُّنُوبِ هَارِبًا

\* أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ مُسْتَرْشِدًا قَصَدَ إِلَى جَنَابِكَ سَاعِيًا

\* أَمْ كَيْفَ تَرُدُّ ظَمْئَانًا وَرَدَ إِلَى حِيَاضِكَ شَارِبًا كَالًا وَ

\* حِيَاضُكَ مُتْرَعَةٌ فِي ضَنْكِ الْمُحُولِ

\*

\* وَبَابِكَ مَفْتُوحٌ لِلطَّلَبِ وَالْوَعُولِ

\* وَأَنْتَ غَايَةُ الْمَسْئُولِ وَنِهَائِيهِ الْمَأْمُولِ

\* إِلَهِي هَذِهِ أَرْزَمَهُ نَفْسِي عَقَلْتُهَا بِعَقَالِ مَشِيئَتِكَ وَهَذِهِ

\* أَعْبَاءُ ذُنُوبِي دَرَأْتُهَا بِعَفْوِكَ وَرَحْمَتِكَ وَهَذِهِ أَهْوَائِي

\* الْمُضِلَّةُ وَكَلَّتْهَا إِلَى جَنَابِ لُطْفِكَ وَرَأْفَتِكَ

\* فَاجْعَلِ اللَّهُمَّ صَبَاحِي هَذَا نَازِلًا عَلَيَّ بِضِيَاءِ الْهُدَى وَبِالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَمَسَائِي جُنَّةً مِنْ كَيْدِ

\* الْعَدَى وَوَقَايَةً مِنْ مُرْدِيَاتِ الْهَوَى إِنَّكَ قَادِرٌ عَلَى مَا

\* تَشَاءُ

\* تُؤْتِي الْمَلِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمَلِكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ

\* تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُدُلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى

\* كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

\* تُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ

\* الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ

\* تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

\*

\* لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ مَنْ ذَا يَعْرِفُ

\* قَدْرَكَ فَلَا يَخَافُكَ وَ مَنْ ذَا يَعْلَمُ مَا أَنْتَ فَلَا يَهَابُكَ

\* أَلْفَتْ بِقُدْرَتِكَ الْفِرْقَ وَ فَلَقْتَ بِالطُّفِكِ الْفَلَقَ

\* وَ أَنْزَلْتَ بِكَرَمِكَ دِيَاجِيَّ الْغَسَقِ

\* وَ أَنْهَرْتَ الْمِيَاهَ مِنَ الصُّمِّ الصَّيَاخِيدِ عَذْبًا وَ أُجَاجًا

\* وَ أَنْزَلْتَ مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً تَبَّجَاجًا وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ

\* وَ الْقَمَرَ لِلْبَرِيَّةِ سِرَاجًا وَ هَاجًا

\* مِنْ غَيْرِ أَنْ تُمَارِسَ فِيمَا ابْتَدَأْتَ بِهِ لُغُوبًا وَ لَا عِلَاجًا

\* فَيَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْعِزِّ وَ الْبَقَاءِ وَ قَهَرَ عِبَادَهُ بِالْمَوْتِ وَ

\* الْفَنَاءِ

\* صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْأَتْقِيَاءِ وَ اسْمَعْ نِدَائِي وَ

\* اسْتَجِبْ دُعَائِي وَ حَقِّقْ بِفَضْلِكَ أَمَلِي وَ رَجَائِي

\*



\* يَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ لِكَشْفِ الضَّرِّ وَالْمَأْمُولِ لِكُلِّ عُسْرٍ

\* وَيُسْرٍ بِكَ أَنْزَلْتُ حَاجَتِي

\* فَلَا تَرُدَّنِي مِنْ سِنِّي مَوَاهِبِكَ خَائِباً يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا

\* كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

\* وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

بگویند پس: به سجده رود و

\* إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَنَفْسِي مَعْيُوبٌ وَعَقْلِي مَغْلُوبٌ

\* وَهَوَائِي غَالِبٌ

\* وَطَاعَتِي قَلِيلٌ وَمَعْصِيَتِي كَثِيرٌ وَلِسَانِي مُقَرَّبٌ بِالذُّنُوبِ

\* فَكَيْفَ حِيلَتِي

\* يَا سِتَّارَ الْعُيُوبِ

\* وَيَا عَلَامَ الْعُيُوبِ

\*

\* وَيَا كَاشِفَ الْكُرُوبِ

\* اِغْفِرْ ذُنُوبِي كُلَّهَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

\* يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ يَا غَفَّارُ

\* بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

\*

ص: 21

## به نام خداوند بخشاینده مهربان

\* خدایا، ای آن که زبان صبح را با نطق گویای نور هویدا

\* ساختی.

\* و شب تاریک را با پاره‌های ظلمانی آن پراکنده

\* نمودی.

\* و آفرینش چرخ گردون را در اندازه‌های زیبایش

\* ستوار ساختی.

\* و تابش خورشید را با نور گرم و فروزان آن پرتو افکن

\* نمودی.

\* ای خدایی که هستی‌اش دلیل هستی اوست.

\* و ذات پاکش از مجانست و همانندی با مخلوقاتش

\* منزّه است.

\* شأنش برتر از آن است که با کیفیات مخلوقاتش قیاس

\* گردد. \* ای خدایی که در خطورات ذهنی به ما نزدیک، و از

\* دیدن چشم ظاهر، دوری.

\*

\* ای خدایی که به همه اشیاء پیش از ایجاد آن، دانایی.

\* ای خدایی که مرا در گهواره امن و امان به خواب

\* بردی.

\* و برای بهرهمندی از نعمتها و بخشش های

\* بیدریغت بیدارم ساختی.

\* و دست بدخواهان را به قدرت و سلطنت خویش از

\* من کوتاه گردانیدی.

\* خدایا درود فرست بر آن راهنما به سویت در شب

\* تیره و تاریک جاهلیت و آن (پیامبر) تمسک جوینده با

\* بلندترین ریسمان شرافت، به واسطه تو.

\* آن رسولی که فضائل آبی او در مرتبهای بس رفیع قرار

\* دارد و آن ثابت قدم در مواضع لغزش پیش از بعثت، و نیز بر خاندان او که همگی از برگزیدگان پاک و نیکوکاران هستند.

\* بارالها! درهای صبح را با کلیدهای رحمت و رستگاری

\* به روی ما بگشا

\* و از بهترین لباسهای هدایت و شایستگی بر من

\* بپوشان

\*

\* و به عظمت خویش در جویبار دلم، چشمه های

\* خشوع جاری ساز.

\* بارالها! به هیبت و جلالت قسم که از گوشه های

\* چشمم، چشمه های اشک جاری ساز.

\* خدایا! نفس سرکش مرا با مهار قناعت مؤدب گردان.

\* خدایا اگر رحمت تو با حسن توفیق از ابتدا شامل

\* حالم نمی شد، چه کسی مرا در این راه روشن، به سویت \* رهنمون می شد.

\* و اگر حلم و بردباری تو مرا بدست آرزو و میل سرکش

\* سپارد، چه کسی لغزشهای مرا از زمین خوردن های

\* هوا و هوس نادیده بگیرد؟

\* اگر به هنگام مبارزه نفس و شیطان یاریم نمی کردی و

\* مرا به خود وا میگذاشتی، خذلان تو کارم را به سختی و

\* ناامیدی می کشانید.

\* خدایا تو میبینی که چیزی جز امیدواری به تو، مرا به

\* درگاهت نمی آورد.

\* چون گناهان مرا از مقام وصال تو دور سازد جز به

\* رشته لطف و کرم بی انتهای تو چنگ نمی زنم.

\*

- \* چه بد مرکبی است این مرکب هوا و هوس که نفس
- \* من بر آن سوار شده.
- \* پس وای به این نفس که گمان های باطل و آرزوهای
- \* دور و درازش در نزد او جلوه کرد.
- \* نابود باد که بر آقای و مولای خویش دلیری نمود
- \* (جرات عصیان کرد)
- \* خدایا با دست امیدم بر در رحمت کوبیدم و از شرّ
- \* هواهای نفسانی امیدوارانه به سوی تو گریختم و به
- \* رشته های عنایت چنگ زدم. پس خدای من از جرم و
- \* خطا و لغزشم در گذر و از افتادنم به وادی هلاکت نگهدار
- \* زیرا تو سیّد و مولا و مورد اعتماد و امید منی و تو
- \* نهایت امال و خواسته من در دنیا و آخرتی.
- \* خدایا چگونه بیچاره ای که از گناهان به سوی تو پناه
- \* آورده را برانی؟!\*
- \* یا چگونه سالکی که شتابان آهنگ تو را نموده، نو مید
- \* سازی؟!\* یا چگونه تشنه ای را که بر لب دریای رحمت آمده،
- \* بازگردانی هرگز چنین نخواهی کرد و حوض های رحمت،
- \* در سخت ترین خشکسالی ها لبریز و پر آب است .

\*

\* و درگاه لطف همواره برای «درخواست و وارد

\* شدن» گشوده است.

\* و تویی منتهای خواسته و نهایت آرزو.

\* بار خدایا اینست مهار نفس سرکش من، که به رشته

\* مشیت بسته ام و این است بار سنگین گناهانم که به امید

\* عفو و رحمتت بر زمین نهادم و این هوس های گمراه کننده

\* من است که به آستان لطف و مهرت واگذاشتم (سپر دم)

\* بارالها! صبح مرا آنگونه آغاز فرما که با پر تو هدایت

\* و با سلامت دین و دنیا بر من فرود آید و شبنم را سپری

\* در مقابل نیرنگ دشمنان و پناهگاهی از هواهای مهلک

\* نفسم قرار ده. که تو به هر چیز خواهی، قادری.

\* به هر که خواهی فرمانروایی دهی و از هر که خواهی

\* فرمانروایی را بازگیری، هر که را خواهی عزت دهی و هر

\* که را خواهی ذلت دهی، خیر و خوبی به دست [قدرت]

\* توست، و تو بر هر چیز توانایی.

\* شب را در روز و روز را در شب در می اوری و زنده را از

\* مرده و مرده را از زنده خارج می کنی و هر که را خواهی

\* بی حساب روزی می دهی. (آل عمران/ 26 و 27)

\*

\* عالم را خدایی جز تو نیست. منزّه خدایی که همه

\* به ستایش تو مشغولند. آن کیست که قدر و مقام تو را

\* بشناسد و از جلالت نهراسد؟ و کیست که بداند تو

\* کیستی و دلش از هیبت ترسان نباشد؟

\* تو فرقی مختلف را به قدرت کامله ات متحد ساختی و \* سپیده دم را به لطف خود از شکاف شب پدیدار نمودی

\* و شب های تار را به کرمت روشن کردی

\* و از درون سنگ خارا، چشمه های آب شیرین و شور

\* جاری ساختی

\* و از ابر متراکم، باران فرود آوردی و خورشید و ماه

\* تابان را دو چراغ فروزان برای (هدایت) مردمان قرار

\* دادی.

\* بی آنکه از ابتدای آفرینش هیچگاه تو را تعب و

\* خستگی عارض گردد و یا نیازمند چاره جویی شوی.

\* ای خدایی که به عزت و بقای ابدی یگانه ا

\* ی و همه

\* بندگان به موت و فناء مقهورند.

\* بر حضرت محمدصلی الله علیه واله وسلم خاندان با تقوایش درود فرست و ندای مرا بشنو و دعایم را اجابت فرما و به

\* فضلت آرزو و امیدم را محقق ساز.

\*



\* ای بهترین کسی که او را در هر سختی و آسانی برای دفع

\* بلیّات و نیل به مقاصد بخوانند، حاجتم را به درگاه تو آورده ام.

\* تا مرا از بهترین مواهب و عالی ترین الطاف خود

\* ناامید نسازی. ای بزرگوار (کریم) ای بزرگوار (کریم) ای

\* بزرگوار (کریم) به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

\* و درود فرست بر بهترین خلقت حضرت محمدصلی الله علیه واله وسلم و تمامی اهل بیتش.

\* خدایا دلم در حجاب است و نفسم آلوده به عیب ها.

\* عقلم مغلوب و هوای نفسم بر عقلم مسلط گردیده است.

\* طاعتم اندک و معصیتم بسیار و زیانم به گناهان خود

\* معترف است. چه چاره توانم کرد؟!!!

\* ای پرده پوش عیب ها! \* و ای دانای غیب ها.

\*

\* و ای برطرف کننده حزن و اندوه ها.

\* همه گناهانم را به حرمت محمد و آل محمد صلی الله علیه و اله وسلم پیامرز.

\* ای بسیار آمرزنده (3)

\* به رحمت ای مهربان ترین مهربانان.

\*

ص: 29



## بررسی اجمالی برخی از کلیدواژه های این دعا

### برخی مفرد ه ای دعای صباح

\* دَلَع: زبان را بیرون کرد.

\* تَبَلَّج: بلج- روشنی و وضوح

\* صباح: صبح و صباح در ظاهر به معنای فجر یعنی اول روز

\* است. صباح از واژگانی است که معانی گوناگونی دارد.

شاید منظور از صبح، بعثت رسول اکرم صلی الله علیه واله وسلم باشد. چنانچه

قبل از حضرت ظلمت کفر و جهالت عالم را فرا گرفته بود. مراد

از لسان صبح، وجود مبارک حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم است و مراد از

نطق، شریعت است. (آشکار سازنده حق از باطل) و همانگونه

که تکلم کردن، مفاهیم و معانی پنهان در ضمیر انسان را آشکار می سازد، تلاءلو صبح نیز اشیاء مخفی و پنهان در ظلمت شب را آشکار

می نماید. همچنین به انوار الهیه که وارد بر قلوب سالکان

راه حقیقت میشود نیز اطلاق می گردد.

در کنز الفوائد از حضرت علی علیه السلام روایت شده در توضیح

آیه و الصبح اذا تنفس تکویر/ 18 فرمود: خداوند از صبح،

«اوصیا» را قصد فرموده و می گوید: علم آنها منور تر و واضح تر از صبح در هنگامی است که بدمد و می توان تاویل «صبح» را به ائمه علیهم السلام و علمویشان گرفت.

یکی از معانی باطنی صبح به ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اطلاق می گردد. اَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنورِ رَبِّهَا

\* سَرَّحَ: پراکنده ساخت- فرستاد- روانه کرد- رها کرد- معاف

\* کرد- شانه کرد- نگاه گرداند.

\* غِیَاهِب: غَیْب. تاریکی- اسباب بسیار سیاه- شب بسیار

\* تاریک- تاریکی و ظلمت بسیار زیاد- مرد نادان و ناتوان

\* تَلَجُّج: لکنت دار- الکن- تکراری

\* لیل: شب- پس از شهادت حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم با غضب

\* خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام جهان در ظلمت فرو رفت.

واژگان در ادبیات قرآن و اهل بیت علیهم السلام دارای معانی ظاهری

و باطنی هستند. معنای ظاهری لیل به شب اطلاق می شود ولی از منظر تاویل لیل در بعضی مواضع به عصر غیبت اطلاق می گردد.

سوء ظن به مؤمن، غیبت مؤمن، تهمت به مؤمن، قلب انسان

را تیره و تار می ازد. در دعاهای روزهای ماه مبارک رمضان داریم: اللهم غَشِّنِي بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالعَصْمَةَ وَ

طَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِیَاهِبِ التَّهْمَةِ يَا رَحِيماً بعباده

ص: 32

أَتَقَنَ: محکم کرد- استوار ساخت

\* تَبَرَّجَ: زیبایی خود را نشان دادن.

\* شَعَّعَ: تایید- درخشید- پرتو افکند- رقیق کرد

\* تَأَجَّجَ: ریشه آج (سوختن- شعله ور شدن- افروختن)

\* دَلَّ عَلٰی: دلالت کرد- راهنمایی کرد

\* تَزَّهَّ عَنَ: منزّه است- پاک است

\* مَجَانَسَهَ: هم جنس بودن

\* جَلَّ عَنَ: برتر داشتن- منزّه دانستن

\* مَلَائِمَهَ: شایستگی- مناسبت- تناسب- هم سازی

\* كَيْفِيَاتَ: طرز- طور- طریق- شیوه- سبک- خاصیت-

\* كَيْفِيَّةَ: حالت- چگونگی

\* جَلَّ: بزرگ- بزرگوار- عظیم- عالی

\* قَرَّبَ: نزدیک است

\* عَلِمَ: آگاه است

\* أَرَقَدَ: مکانی که در آن آرام میگیرند مثل جنین که در دل

\* مادر آرام میگیرد. یا همچون زمین که چون گهوارهای آرام\* برای موجودات عالم است، که با وجود حرکت و سرعت بالا آن را احساس نمیکنند و این خود از معجزات خلقت است. همچنین

\* از قبر برای میت تعبیر به آرامگاه و مرقد می شود.

\* مِهَادَ: گهواره

\* أَيْقَظَ الی: بیدار کردن

\*



\* مَنَح: بخشید- عطا کرد

\* دلیل: راهنما

\* لیل الالیل: شب بسیار ظلمانی - همچو عالم در عصر غیبت

\* ماسک: تمسک جوینده- حضرت رسول صلی اله علیه واله وسلم در حدیث

\* ثقلین فرمود: قرآن و عترت هرگز از هم جدا شدنی نیستند به

\* آن دو تمسک جوید و کسی که به صاحب العصر و الزمان عجت الله تعالی فرجه الشریف تمسک جوید به فلاح و رستگاری می رسد.

در قرآن کریم آیه 200 سوره مبارکه آل عمران آمده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید! [بر انجام واجبات] شکیبا

باشید و یکدیگر را [در تحمل اذیت‌های دشمن] به شکیبایی

وادارید، و [به امامان معصوم] بپیوندید، و [خود را] از [خشم و عذاب] خدا حفظ کنید، تا رستگار شوید.

در توضیح این آیه چند نکته قابل ذکر است.

• هر جا خطاب لعلکم می آید به معنای حتمی شدن آن امر می باشد. (تفسیر اهل بیت، ج 2، ص 895 و 897)

• موارد متعددی در تفسیر این آیه مطرح شده است:

1. صبر بر انجام واجبات

2. صبر بر ترک معاصی

3. مراقبت از اوقات نماز

4. مرزبانی در راه خدا



5. صبر و پایداری بر محبت علی علیه السلام

6. دفاع از اهل بیت علیهم السلام که مرزهای بین خدا و مردم هستند.

7. دفاع از اهل بیت علیهم السلام، دفاع از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم شریعت

اوست.

8. مراقب امتحان الهی باشید و از فرمان پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم و

جانشین او سر پیچی نکنید.

9. تقیه

10. رابطوا امامکم المنتظر یعنی خود را [به رشتۀ محبت و اطاعت] امام منتظر خویش مرتبط سازید. (تأویل الایات، ص 155)

\* اسباب: جمع سَبَب. به معنای ربط، ریسمان، بند، وسیله و

\* رابطه (بین افراد)

در دعای ندبه داریم: أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ أَرْضِ وَالسَّمَاءِ

از حضرت رسول آ روایت است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از

فرزندانش مرا و دینم را یاری می نماید.

در فراز دیگری از دعای ندبه چنین آمده است.

بنفسی انت من عقید عزّ لا یسامی (جانم به فدای تو که هم

پیمان عزتی هستی که برتری و هم طرازی نداری)

بنفسی انت من ائیل مجد لا یجاری (جانم به فدایت که

بزرگواری و ریشه داری که مانند نداری)

بنفسی انت من تلاد نعم لاتضاهی (جانم به فدایت که تو از

نعمتهای دیرین خاص خدایی که مانندی نخواهد داشت)

بنفسی انت من نصیف شرف لا یساوی (جانم به فدایت که

توقرین آن شرافتی هستی که برابری ندارد) امام صادق علیه السلام: خوشا به حال آنکه در زمان غیبت قائم ارواحنا فداه به امر ما چنگ بزند  
و بعد از هدایت قلبش نلغزد.

(اثبات الهداه/3/457)

\* ناصع: پاکیزه- و خالص از هر مکر و حسب (فضایلی که از

\* آباء خود شمردند)

\* کاهل: میان دو شانه

\* اَعبِل: دارای بدنی بزرگ

\* ذروه: هر شیء

\* الثَّابِت: استوار- ثابت- بدون نیستی و فنا، چنانچه در زیارت

\* عاشورا آمده است: و ثبت لی قَدَم صدق عندک...

سخن ثابت به ولایت و اعتقاد محکم و مستدل تأویل شده

است. کَشَجَره طیبه اصلها ثابت و فرعها فی السماء (ابراهیم/24) مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان  
است. مقصود از ریشه ثابت پیامبر صلی الله علیه واله وسلم و امام و اهل

بیتشان است. (البرهان/1/285)

زحالیف: به معنای مزالیق محللای لغزیدن

مصطفین: به مقام اصطفاء رسیده‌اند.

ابرار: نیکوکاران

آنگونه که در روایات آمده است مصداق اتم «ابرار» ائمه‌علیهم‌السلام هستند. و در ادعیه قرآنی چنین آمده است که از خدای متعال تقاضا داریم تا همواره با نیکان باشیم.

ربنا فاغفر لنا ذنوبنا و کفر عتّا سیّئاتنا و توفّنا مع الابرار

(آل عمران/ 193)

هرجا کلید واژه خیر و خوبی در قرآن کریم باشد اصل آن و

ریشه و معدن آن در تأویل به ائمه معصوم علیهم‌السلام می‌رسد. انّ الابرار

یشربون من کأس کان مزاجها کافورا(نسان/ 5)

\* و افتح: بگشا- بارالها درهای صبح را با کلیدهایی از رحمت

\* و رستگاری بر ما بگشای.

\* مصاریع: جمع مصراع.

\* مفاتیح: جمع مفتاح. کلید

\* رحمت: رحمت و فضل دو واژگان قرآنی هستند که به

\* حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و حضرت علی‌علیه‌السلام در تفاسیر روایی اطلاق

\* شده است. ابوا هذه الأُمَّه.

\* فَلَاح: رستگاری- خداوند متعال در قرآن کریم فرمود: قد

\* افلح المؤمنون

در تفسیر این آیه آمده است: به ولایت تو یا علی جان مؤمنان رستگار شدند. فلاح و رستگاری با ولایت حضرت علی‌علیه‌السلام پیوند دارد.

ص: 37

\* فتح: در اصل ضد بستن است و در معنای کشف کردن و نگاه

\* کردن نیز رواج یافته است. معنای دیگر «فتح» گشودن است.

واژه «صبح» و «فتح» همچون دیگر واژگان قرآنی دارای

ظاهر و باطنی است. شاید مراد از «صبح» انوار الهیه باشد که

به واسطه فتوحات قلبیه وارد بر قلوب سالکین حقیقت می شود،

این فتوحات یکی فتح قریب است: نصرٌ من الله وفتحٌ قریب

یکی فتح مبین است اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا و دیگری فتح مطلق است اذا جاء نصر الله والفتح

رحمت و قوت بر طاعت است و مفتاح فلاح حول و رو

برگرداندن از معصیت است. لا حول و لا قوه الا بالله پس کلام

کنایه است از طلب کردن توفیق علم و عمل به جهت حصول

تح انوار الهیه بر قلب. (شرح حسن آفاقوچانی)

\* البسنى: بپوشان بر من

\* خَلَع: جمع خلعت.

\* الهدایه: هدایت- تأویل هدی در قرآن به ولایت علی e است.

\* الصلاح: مترادف صلح- اصلاح

\* أَعْرَسَ: بکار- بجوشان

\* غَرَسَ: درخت نشانندن

\* شَرِبَ: خط بردن از آب

\* جنان: دل \*

\* ینابیع: جمع ینبوع. درخت مخصوص - چشمه ها

\* اَجْرٍ: جاری ساز

\* اَمَاقٍ: جمع موق. گوشه چشم مایل به سمت بینی

\* زفرات: چشمه ها

\* الدموع: جمع دمع. اشک

\* ادِّبٍ: ادب کن

\* نَزَقٍ: سبک مغزی - تند خوئی

\* خُرُقٍ: بدخوئی

\* قنوع: قناعت کردن - راضی بودن - قانع شدن - میانه روی -

\* اعتدال

\* اَزْمَةٍ: جمع زمام.

\* کبواه: زمین خوردن های ناشی از تبعیت هوی و هوس

\* نفس، انفس و نفوس: نفس به سکون در لغت به معانی ای

\* آمده که از جمله آنها، روح، جسد و خود آن چیز می باشد.

\* همچنین در عرف خواص بر چیزهایی که از جمله آن نفس

\* ناطق که مصداق انسانیت و شرط برتری انسان بر سایر حیوانات می باشد، اطلاق می شود و به آن، «روح» نیز می گویند، چرا که

\* حیات بدن متوقف بر آن است. همچنین آن را به خاطر زیر و رو کردن آن در اذهان و به خاطر زیادی وابسته بودن آن به قلب

\* مادی، «قلب» نیز می نامند و برای آن به نسبت مراتب علم و عمل

\* و عدم آن، توانایی های متفاوتی است. همین طور در برخی از

\*

\* مراتب، آن را عقل نیز می نامند. نفس انسانی از آنجایی که بین نیروی شهوانی که با نفس حیوانی آمیخته و در ظلمت های مادی

\* به همراه برانگیختن و وسوسه شیطان فرو رفته است. نفس اماره نفس بسیار امر کننده به بدی است که به خاطر ضعف یقین به

\* ارکان دین و مسلط شدن لشکریان جهل و چیره شدن شیاطین\* و تابع شهوات است. نفس لَوَّامه، نفس بسیار سرزنش کننده

\* است که هرگاه از نیروی شهوانی تبعیت کند نفسش او را توبیخ

\* و سرزنش می کند و فرد از انجام آن، رنجیده و غمگین می شود و توبه می کند. به وجود آمدن چنین حالتی، تنها به برکت تمسک

\* به اهل بیت علیهم السلام صورت می گیرد. نفس مطمئنه آرام است که

\* مراتبی دارد چرا که کامل ترین آن نفس معصومین علیهم السلام به ویژه

\* پیامبر صلی الله علیه واله وسلم و ائمه علیهم السلام و پایین تر از آنها، نفس مؤمنان کامل

\* است. (مراه الانوار/ 832) تأویل نفس در مقام ذم و نکوهش به

\* نفس اماره بر می گردد. و در دعای صباح نفس مذموم مورد نظر

\* یا همان نفس اماره منظور است.

\* محاربه: مبارزه- جنگ

\* نَصَب: سختی

\* حرمان: ناامیدی

\* مطیّه: مرکب

\* عَلق: آویختن- معلق بودن- متمسک شدن- (به چیزی)

\* پیوستن

\*

\* حِبَال: رشته - ریسمان - طناب - پرتو، شعاع

\* سَوَّل: ظاهر آرایی کردن (برای کسی به قصد فریب) -

\* فریفتن - (کسی را) وسوسه کردن

\* ظنون: گمان ها

\* مناها: آروزها

\* تَبَّأ: نابود باد

\* لاجئاً: امیدوارانه

\* انامل: جمع انمله بمعنی سرانگشتان و در اینجا مراد تمام \* دست است. مجازاً

\* تطرُد: راندن

\* تُحَيَّب: باعث شکسته شدن - بیتیجه گذاردن - باطل

\* کردن - بی اثر کردن - ناامید کردن - امید و آرزوی کسی را بر باد

\* دادن

\* مسترشداً: از ریشه رشد - طلب رشد نمودن

\* و غول: دخول

\* ظمأن: تشنگی

\* حياضك مترعه: حوض های پر آب و لبریز

\* ضنك المحول: بیابان های خشک و لم یزرع

\* درأ: رد کردن - دور کردن - رفع کردن خطری

\* مردیات: پرتگاه ها

\* أَلَفَ: مانوس شد

\*





\* فِرْق: فرقه ها

\* فلق: سپیده دم- فلق- شفاف

\* غَسَق: تاریک و روشن

\* دیاجی: از ریشه دجو سایه افکندن (بر چیزی)- تاریک بودن-

\* تیره بودن

\* عذب: گوارا، شیرین، دلپذیر

\* أجاج: شور ماء أجاج: آب شور

\* لغوب: خستگی- واماندگی- ناتوانی- عذاب- درد و رنج

\* سنی مواهبک: بهترین مواهب و عطایات

\* مصراع: مصرع- لنگه در- نیم بیت

\* قلب: قلب المؤمن عرش الرحمان

پیامبر صلی الله علیه واله وسلم: ظرفی در زمین هست که متعلق به خداست که هرچه باصفا تر و نازک تر و مستحکم تر باشد پیش خدا محبوب تر است. این ظرف دل‌های بندگان است. نازک بودن آن به این

است که نسبت به برادران مؤمن رقیق باشد، استحکامش به این

است که سخن حق بگوید و از ملامتِ ملامت کنندگان نترسد و

صاف بودن آن به این است که گناه در آن نباشد.

در حدیث داریم: خوشا به حال بندهای که «قلبش صالح»،

«عملش نیکو» و «ظاهرش پاک» باشد و دیگران از آزار او در امان باشند.

گاهی مراد از واژه قلب، دل و عقل می‌باشد. مانند آیه لِمَن

كان لَهُ قَلْبٌ (ق/ 37) برای کسی که قلب داشته باشد. که منظور

از آن، عقل است. گاهی نیز معنای مصدریاش از قلبه یقلبه

وقتی که چهره آن شخص را بگرداند یا آن که چیزی را کاملاً زیر

و رو کند، اراده می شود (در احادیث، دلایل این که میتوان قلب

در مقام مدح که به معنای اول آمده است را در موارد مناسب

به امام علیه السلام و به دل و عقل او تأویل برد، آمده است. چرا که او

دارای عقل کامل است بلکه او خود، عقل کامل و دل هوشیار

است. از این رو است که در احادیث آمده که مراد از «ذیالقلب» در قرآن او می باشد و او دل هوشیار خداوند است یعنی

دلی که خداوند آن را ظرفی برای دانش خود قرار داد و آن را به طاعتش فراخواند.) خداوند ایمان را بر تمام اعضای بدن، واجب کرده قلب از

مهمترین اعضاء بدن است و این ایمان عبارتست

از معرفت، پیمان بستن رضایت داشتن و تسلیم شدن به این

که هیچ خدایی جز خدای یگانه نیست و هیچ شریکی برای او

نمی باشد و این که محمد صلی الله علیه واله وسلم بنده و رسولش است و اقرار به آن

چه که وی از نزد خداوند آورده، می باشد. (البرهان/ 1/697)

صدوق در معانی الاخبار از امام باقر علیه السلام روایت می

کند که

فرمود: قلبها بر 4 نوع است که عبارتند از:

1. قلبی که در آن نفاق و ایمان است.

2. قلب منکوس (وارونه شده)

3. قلب مطبوع (مهر زده شده)

از حضرت پرسیده شد: از هر چیست؟ حضرت فرمود: یعنی شکل داخلی آن قلب به مانند چراغ است و منظور از قلب مطبوع، قلب انسان فاسق و منظور از قلب از هر، قلب انسان مؤمن است که اگر خدا به او چیزی عطا کند، شکرگزار و اگر او را به چیزی مبتلا کند، صبور خواهد بود. منظور از قلب منکوس،

قلب انسان مشرک می باشد.

○ عقل: عقل - يَعْقِلُ عَقْلًا الشیء به معنی آن است که آن امر را

○ به عقل دریافت.

عقل را به معنای رَبَطٌ دانسته اند. پس عقل نیز همچون

«ربط» به مفهوم بستن است. زمانی که کسی شتری را می بندد

و عرب گوید «عقل البعیر - همچنین عقال را وسیله بستن معرفی می کند در نتیجه عقل، نوعی حبس کردن و محدود نمودن است.

عقل مانع از گفتار و کردار ناپسند است. براساس این سخنان، عقل نوعی حبس و ممنوعیت برای انسان است. بنابراین فهم و ادراک عقلانی انسان را از لاقیدی خارج می کند. در مقابل برای کسی که این فهم را ندارد، چنین محدودیتی معنا ندارد. عقل را عقل نامیده اند زیرا که دارند خود را از فرو غلطیدن به مهلکه ها

باز می دارد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه واله وسلم فرمودند: خداوند هیچ چیز بهتر

از عقل، بین بندگان تقسیم نکرده است. (کافی کتاب العقل و الجهل/ح11)

عقل برترین نعمتی است که خداوند به بندگانش ارزانی

داشته است.

عقل - با حفظ حجیت ذاتیه اش - از امامت و هدایت علم

واقعی (وحی) بی نیاز نیست.

حضرت امیر علیه السلام می فرمایند: عقل، شرعی از درون و

شرع، عقلی از بیرون است. (مجمع البحرین/5/425) امام باقر علیه السلام خداوند متعال حساب بندگان را در روز قیامت، به اندازه عقلی که در دنیا به آنها داده شده است، مورد مذاقه قرار می دهد.

امام کاظم علیه السلام به هشام می فرمایند: به راستی خداوند را

بر مردم دو حجت است: حجتی نمایان و حجتی پنهان، حجت نمایان بیرونی رسولان، انبیاء و ائمه علیهم السلام هستند و حجت پنهان درونی عقل است. عاقل کسی است که خدا را واحد بشمارد و به طاعت او عمل کند. (تحف العقول/54) العقل دلیل المؤمن. عقل، راهنمای مؤمن است. (همان/24)

اسلام دین عقلانیت است. مرحوم کلینی کتاب کافی را با

عقل و جهل آغاز نموده است.

عقل به معنی فهم و علم است و گاهی بر قوه درک و تمیز بین خوبی و بدی و توانایی شناخت اسباب و دلایل امور

ص: 45

اطلاق می گردد که به این معنا، معیار تکلیف، نسبت به احکام می باشد. عاقل، انسان فهیم و عالم و عاملی است که به حق تمسک جسته است و حق به معنای پیروی از بزرگترین الگوهای تقوا می باشد.

تأویل «یعقلون» آن است که آنها می فهمند که حق در کلام

خدا و پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم و ائمه علیهم السلام است. و آنها را با دیگران قیاس نکرده و برنامه زندگی شان، پیروی از آن حضرات و ترک مخالفت آنهاست.

عقل کامل و حقیقی، نور پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم ما و روح شریف آن حضرت است که انوار معصومین و ارواح انبیاء و مرسلین از آن

منشعب شده است و ارواح همه شیعیان از آغاز تا انجام از شعاع

انان آفریده شد. (البرهان/1/624)

واژه دیگری که در قرآن کریم بسیار به کار رفته «اولوالالباب» به معنای خردمندان است چرا که لب همان عقل است. در احادیث آمده است که مراد از آن، ائمه علیهم السلام و همچنین شیعیان ایشان می باشند. (البرهان/1/624)

در قرآن کریم، از قول حضرت یوسف علیه السلام می خوانیم: و ما

ابری نفسی ان النفس لآماره بالسوء الا ما رجم ربی (یوسف/53)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم فرموده اند: «دشمن ترین دشمن تو، نفس

توست که میان دو پهلوی تو جای دارد.»

قلب انسان، نوری را مالک میشود که هیچ سیطره و

احاطه ای بر آن ندارد. آنگاه معقولاتی را می بیند. اگر این قلب تیرگی هایی بیابد، به میزان آن کدورتها، بهره و مالکیتش

نسبت به نور عقل کم خواهد شد. عواملی را که مانع منور شدن

بیشتر قلب به نور عقل می گردد، «حجاب عقل» می نامیم. به

بیان دیگر قلب مطهر، کاملاً منور به نور عقل است و هر اندازه

که زنگار در میان آید، محرومیت از عقل حاصل می شود. از آن عوامل زنگار آفرین، به حجاب های عقل تعبیر می شود. پیامد این

بحث، باید این ثمره عملی باشد که عاقل موانع روشنگری عقل را بشناسد، آنگاه برای دوری از آنها بکوشد تا بستر بهره مندی

از عقل را بهتر فراهم کند. در این قسمت برخی از مجاری های

عقل را بیان داشته و روشهای زدودن آن را از کلام معصومین

علیهم السلام می جوئیم.

1. حجاب هوی و شهوت: «الهوی ضد العقل» (غررالحکم/ح 813)

عقل فرمانده لشکر رحمان و «هوی» امیر سپاه شیطان است

و نفس میان آن دو در کشمکش است.

پس هر کدام از آن دو غلبه یافت (نفس) در سمت او خواهد بود. (همان/ح 304)

یکی از مهمترین انگیزه ها برای ترک شهوت و غلبه بر آن، اعتقاد به آخرت و یاد مرگ است. تقوا و عفت ورزیدن در کلام معصومین راه

غلبه بر آن است. حضرت امیر علیه السلام ریشه عفاف

ص: 47

را قناعت و میوه قناعت را کم شدن اندوه ها بر شمرده اند. (بحار/7/78/2). حجاب غضب: حضرت علی علیه السلام می فرمایند: غضب، لُبّ ها

را تباه می کند و از صواب (راه صحیح) دور می سازد (غررالحکم/

ح862)

در کلام خدای تعالی انما يتذكر اولوالالباب، اولوالالباب یعنی صاحبان عقل و خرد. لُبّ به تشدید باء به معنی عقل است. از این جهت عقل را لُبّ نامیده‌اند که عقل، حقیقت و خود انسان است و غیر آن گویی پوستی بیش نیست. معنای لغوی لُبّ مغز میوه است. کسی که مالک غضبش نباشد، مالک عقلش نیست (کافی/2/305)

غضب دشمن انسان است و دفع آن با کظم (فروبردن خشم)

و حلم و بردباری است.

1. حجاب طمع: در مواردی که طمع در کلمات نورانی

2. معصومین علیهم السلام مذمت شده مراد طمعی است که معنای حرص

3. در آن نهفته است و در نقطه مقابل قناعت قرار می گیرد. طمع بهره آدمی از عقل را می کاهد.

امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: بیشترین قربانگاه های عقل،

تحت جهیدن طمع هاست. (نهج البلاغه/حکمت 9/2)

و امام کاظم علیه السلام خطاب به هشام هشدار می دهند:

«ای هشام! بر حذر باش از طمع. و باید ناامید باشی از

ص: 48

آنچه در داستان مردم است و طمع را از آفریدگان بمیران که طمع، کلیدی برای خواری و ربوده شدن عقل، از بین رفتن جوانمردی ها و لکه دار شدن آبرو و نابودی علم است. باید به پروردگارت معتصم باشی و بر او توکل کنی و با نفست مبارزه کن تا آن را از خواسته اش برگردانی، که این بر تو بسان جهاد با

دشمنت واجب است.» (تحف العقول/239)

1. حجاب امل (امید و آرزو): امیر مؤمنان علیه السلام در این رابطه می فرمایند: بدانید که آرزو، عقل را به سهو و میدارد و ذکر را می فراموشاند.

پس آرزو را دروغ بدانید، زیرا که فریب است و صاحب آن فریفته (نهج البلاغه/ خطبه 86)

2. حجاب کثرت لهو: لهو چیزی است که بدان سرگرم شوی و

3. تو را مشغول سازد. امام علی علیه السلام: کسی که لهوش زیاد شود،

4. عقلش کم گردد. (غرر الحکم/ 10559)

5. حجاب کثرت هزل: هزل متضاد جد است و افراط در آن، حجاب عقل است. (غرر الحکم/ح 4481)

6. حجاب عجب: خشنودی تو از خودت، از تباهی عقل تو است. (غرر الحکم/ح 7063)

7. حجاب کبر: بدترین آفت عقل، کبر است. (غرر الحکم/ح 849)

کبر، امری باطنی است که در قلب می رود و عقل را بیرونمی راند.

ص: 49



از زمینه های ایجاد کبر به خداوند پناه برید، همانگونه که از حوادث روزگار به او پناه می برید و برای مجاهدت با آن، به قدر

توان آماده شوید. (غررالحکم/ ح 7121)

1. حجاب استغناء به عقل خویش: بیشترین حماقت، از آن کسی

2. است که پندارد عاقل ترین مردم است. (غررالحکم/ ح 1250)

3. حجاب همنشینی با جاهل: کسی که با جاهل هم نشین

4. شود، از عقلش کاسته میشود (کنزالفوائد/ 1/199)

برای عاقل سزاوار است که بر همنشینی با علماء و

نیکوکاران بیفزاید و از همنشینی با اهل شر و بدکاران پرهیزد. (غررالحکم/ ح 9796)

5. حجاب زیاده جویی: ضایع شدن عقل ها، در طلب

6. زیادی هاست (غررالحکم/ ح 10932)

7. حجاب بیکاری: امام صادق علیه السلام: ترک تجارت، عقل را

8. ناقص می کند. (کافی/ 5/148)

9. حجاب دنیادوستی: امام سجاده علیه السلام: حبّ الدنیاء رأس کل

10. خطیئه (دوستی دنیا رأس هر خطایی است). زهد نقطه مقابل دنیا دوستی است. از ثمرات زهد حکمت و

یاد مرگ و دستیابی به همه خیرات است.

1. مستیهای پنجگانه: حضرت امیر فرموده اند: سزاوار است که عاقل، از مستی مال، مستی قدرت، مستی علم، مستی مدح و مستی

جوانی پرهیزد. اینها رانحه های پلیدی دارند که

2.

ص: 50

3. عقل را می‌رباید و وقار را خوار می‌سازد. (غررالحکم/ح 875)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: عقل و لشکرش را و جهل و

لشکرش را بشناسید، تا هدایت پذیرید.

ثقه‌الاسلام محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی را با موضوع عقل و جهل آغاز کرده است و این مطلب خود از افتخارات شیعیان است که تشیع دین عقلانیت و علم است.

امید آن که خداوند ما را از موالیان اهل بیت علیهم السلام قرار دهد و

لشکریان جهل را از عرصه ی قلبمان بزدايد و توفیق همشینی با لشکریان عقل را نصیبمان فرماید. از خداوند متعال می

خواهیم به برکت دعای صباح با طلوع هر سپیده‌دمی توفیق اطاعت و بندگی به همه ی محبین اهل بیت عیهم السلام عنایت فرماید و آنان را آماده ی ظهور عقل افزای مولای غائب خود، حضرت

بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف بنماید. آمین یا رب العالمین.

شهادت صدیقه طاهره سلام الله علیها

سوم جمادی الثانی سال 1442

ص: 51

1. قرآن کریم
2. نهج البلاغه
3. تفسیر البرهان- علامه بحرانی
4. بحار الانوار: علامه مجلسی
5. تفسیر فرات کوفی- فرات کوفی
6. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم- فؤاد عبدالباقی
7. کتاب عقل- بنیہاشمی
8. تفسیر قمی- قمی
9. تفسیر اهل بیت علیہم السلام- برازش
10. تأویل الآیات- استرآبادی
11. علل الشرایع- شیخ صدوق
12. مرآة الانوار- شریف عاملی
13. اثبات الهداه بالنصوص و المعجزات- شیخ حر عاملی
14. مجمع البحرین- طریحی
15. کافی- کلینی
16. تحف العقول- ابن شعبه حرانی.1.
2. غرر الحکم- آمدی

3. کنزالفوائد - کراچکی

4. کیفیت دعا - بنی ہاشمی

5. اصول کافی - کلینی

6. فرهنگ معاصر عربی فارسی - آذرتاش آذرنوش

7. پایگاه اطلاع رسانی حوزه - شرح دعای صباح امیرالمؤمنین علیہ السلام - حسن - خراسانی قوچانی

ص: 53

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

